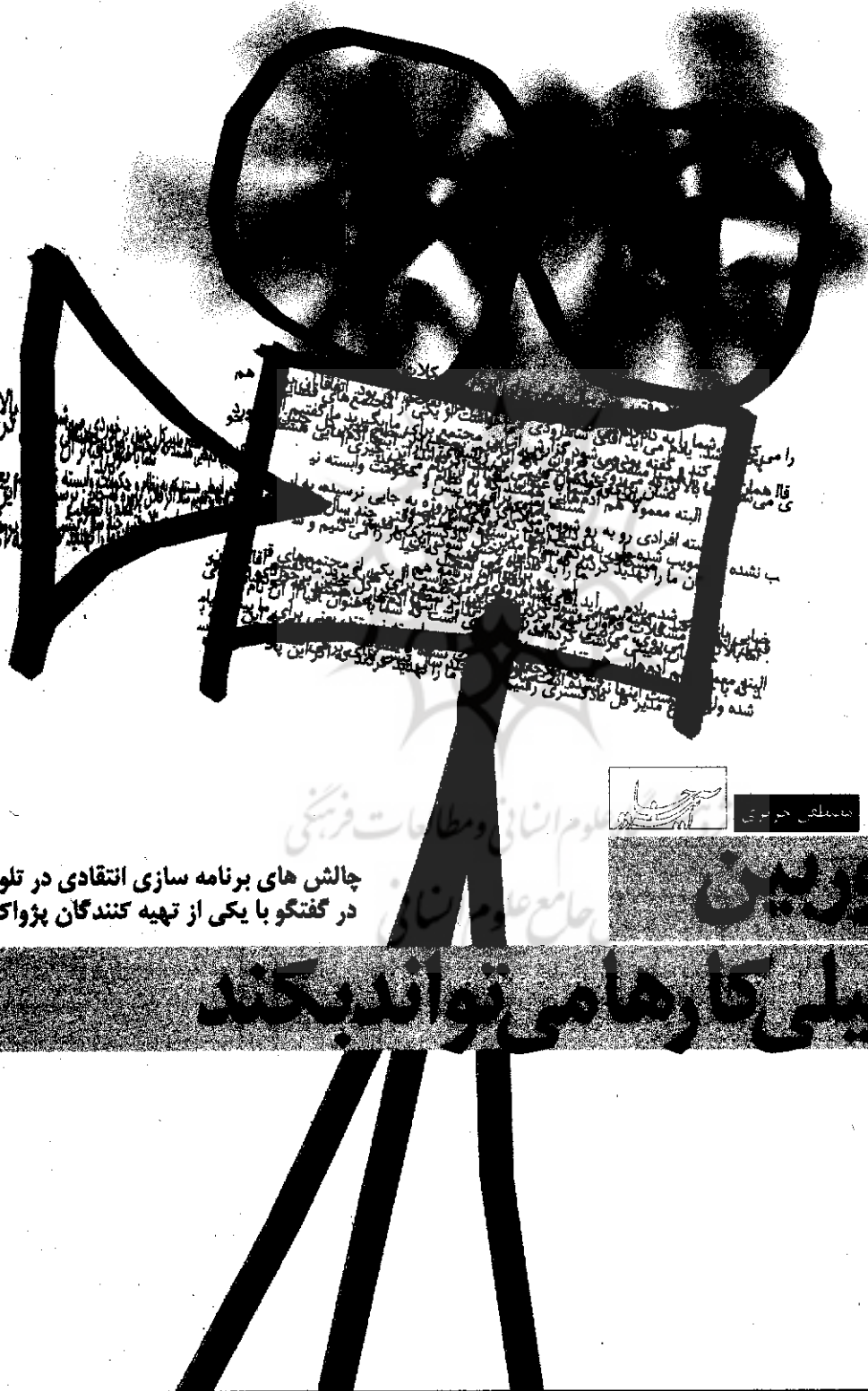


می پردازند، از پربیننده ترین برنامه ها هستند اما معمولاً به خاطر مشکلات و درد سرهای زیادی که در مسیر ساخت آنها وجود دارد، کمتر چنین برنامه هایی ساخته می شوند یا اگر هم ساخته شوند، عمر طولانی نخواهند داشت.

«پژواک» از همین جنس برنامه های اجتماعی بود که توسط گروه سیاسی شبکه یک تولید می شود. مجید الهام بهشتی از اولین تهیه کنندگان پژواک است که در گفتگویی با سوره از این برنامه و مشکلات خاص خودش می گوید:

اشاره:
 «دوربین را تا آنجایی که امکان دارد، مخفی می کنند. تیپ و قیافه هم طوری باید باشد که شک هیچ کس را تحریک نکند. فرقی نمی کند محله هایی باشد که به بازار فروش مواد مخدر تبدیل شده یا خیابان ناصرخسرو و بازار سیاه دارو و هر کدام اگر بفهمند نه که حرف نمی زنند، تنگ مفصلی هم در انتظارشان است».
 برنامه های اجتماعی سیما بخصوص آنهایی که به مشکلات ملموس مردم



بالا کلمه می زد و کلمه می
 در دست گرفته اند این
 بعضی برای ملیش ز
 این کلیل بود، که بود
 از همین مشکلات مردم

شما باید به داده های شما روی
 کتب گفته بودی: «فرزاد»
 قلم همی...
 البته معمولاً هم آدم سگ...
 البته افرادی رویه رو...
 سوب شیشه...
 ان ما را تهدید کرد...
 شده و...

مسئله خبری

چالش های برنامه سازی انتقادی در تلویزیون
 در گفتگو با یکی از تهیه کنندگان پژواک

دوربین

خیلی کارهایی تواندی کند

آن آدمی که در تولید نشسته و برای یک سریال که معلوم نیست چقدر از آن استقبال می شود بودجه میلیاردری می دهد، امکانات اولیه ما را هم تأمین نمی کند.

بود. اتفاقاً آن برنامه هم پخش شد و اتفاقی هم نیفتاد. یاد می آید آقای شاهرودی می خواست از یکی از مجتمع های قضایی بازدید کند و گفته بود می شود گزارش از این مجتمع برای ما بگیرید ما گفتیم آقا! همان قبلی را هم با مشکلات فراوان تهیه کردیم. ببینید، در سطح مدیر کل چنین برخوردی می شود. اما بالاتر که می روی، می بینی که این ریشه ای ندارد. اینها آدم هایی هستند که خودشان برای خودشان هییتی درست کرده اند، این چیزی است که شما با عنوان مافیای آن نام می برید.

البته معمولاً هم آدم هایی هستند که به نظام و حکومت وابسته نیستند، یعنی برای ما پیش نیامد که با چنین دسته افرادی رو به رو شویم مثلاً اگر فلان پروژه به جایی نرسیده، به این دلیل بود که بودجه اش تصویب نشده یا تصویب شده ولی به دست اینها نرسیده است. مثلاً یکی از مواردی که ما را تهدید کردند مربوط به بیمارستان قلب در شریعتی بود که ۴ سال بود می بایست راه اندازی می شد ولی هنوز خبری نبود. رفتهیم ببینیم چرا؟ دیدیم ۲ میلیون دلار را یک جایی خوابانده اند و بعد رئیس جمهور - در اواخر دوره اول ریاست جمهوری شان پیگیری کردند - بیمارستان افتتاح شد.

معلوم شد اینجا متولی ندارد، دعوا بین دو نهاد است که مثلاً این مال دانشگاه علوم پزشکی است یا فلان مؤسسه، بانک توسعه اسلامی بعد از کنفرانس اسلامی سرمایه گذاری کرده بود و بعد از مدت ها کاری مشترک بین کشورهای اسلامی در حال شکل گیری بود. در نهایت رئیس جمهور باید تصمیم بگیرد یا در مجلس تصویب شود. حالا این وسط چند تا تلفن هم به ما می شد که آقا! این فیلم نباید پخش نشود. ما هم می گفتیم نه، باید پخش شود. که اگر این دوربین به آنجا نمی رفت، شاید هنوز واقعاً یک رشته از کارها و پروژه ها در کشور ما در حد آدم های کوچولو گیر کرده و این مافیای مثل خارج نیست. اینها ریشه در حکومت ما ندارد، حتی اگر تصمیمی در سطح رئیس جمهور گرفته نشده، به دلیل مشکلات سیاسی و بعضی مسائل بوده.

یک جنبه ایجابی و مثبت کار خیر نگارها این است که با به تصویر کشیدن ایرادها می توانند باعث خیر و برکت شوند تا بالاخره کسی به فکر بیفتد. ۳ سال بود آن بیمارستان آنجا بلا تکلیف مانده بود ولی کسی نمی رفت رسیدگی کند. گزارش های هر ۳ یا ۶ ماه در روزنامه یا مجله ای چاپ می شد، ولی به تصویر کشیده نمی شد.

■ چرا بعضی از مسؤولان رده متوسط کشور در برابر چنین قضایایی

مسؤولان که واقعاً یکی از مشکلات مهم برنامه بود - می دیدیم که جواب نمی دادند. گزارش مردمی برنامه را جمع می کردیم، ولی از آن طرف جواب مسؤولان نمی رسید، تا این که موضوع لو ت می شد.

موضوعی که مثلاً یک ماه پیش باید به آن رسیدگی می شد، می دیدیم یواش یواش دارد از ذهن ها پاک می شود. همان برنامه ها را ضبط می کردیم و مثلاً می گفتیم آقا! ما رفتیم، زنگ هم زدیم، اما روابط عمومی آنجا جواب نمی دهد و خود همین نشان می داد که اگر جواب دارید خوب بیایید جلو و گرنه یا جواب ندارید یا اهمال می کنید.

■ این طور که شما گفتید، در برنامه پژواک معمولاً کمتر پیش می آمد که مشکلات ریشه ای باشد، یعنی بسیاری مواقع مشکل را می توان به سادگی حل کرد، پس چرا برخورد مسؤولان این طور بود؟

برای این که وقتی مشکل ریشه ای باشد، می توانند آن را بیندازند گردن رده های بالاتر و بالاتر.

وقتی مشکلی به دست خودشان حل می شده و پیگیری نکرده اند، خودشان مقصر بوده اند... برای این که آن فرد خودش را نشان ندهد، حاضر نبود بیاید جلو، اگر می توانست جواب بدهد حتماً می آمد. بعضی جاها می توانستند جواب بدهند، مثلاً می گفتند آقا! اصلاً این مشکل به ما مربوط نمی شود، این فلان تصمیمی است که در فلان جا گرفته شده. به همین دلیل بعضی وقت ها در همان سطح اول به بن بست می رسیدیم.

■ آیا پژواک به مشکلات اصلی اجتماعی مثلاً مافیای اقتصادی در ایران رسیدگی می کرد؟ اگر این کار را انجام دادید، چه مشکلاتی برایتان به وجود آمد؟ مثلاً شما در مورد دارو تحقیق می کنید و می بینید که همه مشکلات بر می گردد به مجموعه ای که کار دارو را در دست دارد یا در بحث ارزان عمومی هم به همین ترتیب. آیا سراغ این مجموعه ها رفته اید یا اصلاً کار پژواک این نبوده و این اجازه را نداشته اید؟

ببینید این مرزها در پژواک نبود و خیلی کم پیش می آمد که بگویند آقا! پایتان را از اینجا فراتر نگذارید.

مثلاً وقتی چند سال پیش برای برخی مشکلات مردم سراغ مدیر کل دادگستری رفتهیم، ایشان ما را تهدید کردند که اگر این پخش شود، این کار را می کنیم و شما را به دادگاه می کشیم که خیلی برای من تعجب آور

ما دنبال این بودیم که به نحوی مسائل و مشکلات مردم را از زبان خودشان مطرح کنیم. آن زمان با آقای آخوندی این کار را شروع کردیم. ایشان اعتقاد داشت که مردم، با کلیت نظام مشکل ندارند، اما در جاهای کوچکی مشکلاتی وجود دارد کم کم باعث نارضایتی مردم می شوند. مثلاً فرض کنید مردم می روند به دادگستری و به آنها سخت می گیرند، رسیدگی به پرونده را به تاخیر می اندازند، بعضی از آدم ها کارشکنی می کنند و این باعث می شود کار یکساعته، مدت زیادی طول بکشد.

دیدگاه برنامه این بود که از مسائل جزئی به کل برسیم. ما در برنامه های سیاسی مان کلی صحبت می کنیم، تحلیل می کنیم و فکر می کنیم برای مردم، جا افتاده است. مثلاً می خواهند جنس کوپنی را جمع کنند، می آیند درباره مضرات نظام اقتصادی کوپنی برنامه می گذارند که این توجیهاتی کلی است، از موضع بالا نگاه کردن است و از کل به جزء رسیدن.

در این برنامه مثلاً به طور ناشناس به یکی از شرکت هایی که خودرو واگذار می کردند رفتهیم تا ببینیم علت تاخیر در واگذاری خودرو چیست؟

فردی که مراجعه می کند و سه چهار ماه برای دریافت خودرو می دود، آیا از صنعت کشور نارضاضی است؟ آیا از نظام نارضاضی است؟ برای این کار دوربین مخفی هم بردیم تا ببینیم مشکل کجاست.

■ این برنامه ها باید بازتاب داشته باشند، مثلاً چهار تا مسؤول، پژواک را ببینید و پاسخگو باشند. در این انعکاس شما را به برداشت سطحی متهم نمی کردند؟

نه، با شناختی که از واکنش های مسؤولان داشتیم، وقتی این را تهیه می کردم، از آن طرف حتماً می رفتهیم سراغ یک مسؤول تا جواب بگیریم. مثلاً جایی می گفتند آقا! شما کاغذتان را بدهید تا جواب بدهیم. بعد از گرفتن نظرات مردم، می رفتهیم با یک فرد آگاه در آن سازمان صحبت می کردیم و می گفتیم اینها درد دل مردم است و شما به عنوان کسی که آن ور میز نشستهای، بگو چرا این مشکل حل نمی شود؟

و عمدتاً می رسیدیم به این که مثلاً بعضی کم کاری ها بر می گردد به خود آن مجموعه و غفلت هایی که خودشان می توانستند جلوی آنها را بگیرند کمتر پیش می آمد به مشکلات ریشه ای برسیم که در بررسی های بعدی بتوان آنها را حل کرد.

در همین پیگیری ها برای جواب گرفتن از

ما در برنامه های سیاسی مان کلی صحبت می کنیم، تحلیل می کنیم و فکر می کنیم برای مردم جا افتاده است.

بعد از شنیدن نظرات مردم و ضبط آنها، می رفتهیم با یکی از مسؤولان سازمان صحبت می کردیم و می گفتیم چرا مشکل مردم حل نمی شود؟ بعد به این می رسیدیم که مشکل مثلاً بر می گردد به غفلت هایی که خودشان هم می توانستند جلوی آنها را بگیرند.

بالا نتر که میزنند
درست که میزنند
یعنی برای این
مشکلات
برخی این چ...

کلمات
هم
شما یاد می آید دامنه آقای شاهرودی می خواست از قضاوت های
گفته بودی که در این کشور این سیستم را می بینیم
کند مردم که می بینند ما با همه تماس می گیریم تا
بالا نتر که میزنند ما با همه تماس می گیریم تا
دانش یعنی که شما می بینید اگر جواب ندهند برنامه را
البته معمولاً هم آدم های این چنینی که در این کشور
سته افرادی رو به رو شویم من به خودم می گویم که
شده مردمی که در این کشور این سیستم را می بینیم
میسوزد که ما را تهدید کرده اند
ان ما را تهدید کرده اند
شده مردمی که در این کشور این سیستم را می بینیم
میسوزد که ما را تهدید کرده اند
ان ما را تهدید کرده اند
شده مردمی که در این کشور این سیستم را می بینیم
میسوزد که ما را تهدید کرده اند
ان ما را تهدید کرده اند

قضاوت عموم مردم، یا توجه به اتفاقاتی است که با چشم خودشان می بینند.

به نظر من آنجا که توانسته بودیم تصویر واقعی و مسائل را به صورت مستند بیان کردیم و هم مسؤولان پیگیری ماجرا بودند. هر جا یا هدف و نیت حل مشکلات پیش رفتیم، جواب هم گرفتیم.

گاهی اوقات هم آن قدر که باید برای برنامه تلاش نمی شد و تأثیر چندانی هم نمی گذاشت. اگر مشکلی حل شده باشد، حتی اگر کسی می خواهد اسمش را بگذارد سوپای، بگذارد؛ مهم این است که باری از روی دوش آدم برداشته شود. یکی هم واقعاً اعتقاد دارد که مثل حل شده است.

■ برخورد حمایتی صدا و سیما چگونه بود؟ و چرا به نظر می آید که کارهایی از جنس و نوع برنامه پژواک کمتر ساخته می شود و همین برنامه هم دارد کم رنگ می شود؟

حالا رسیدیم به درد دل های ما که این قصه سر دراز دارد. وقتی نوبت می رسد به تعریف سیاست و استراتژی برنامه سازی در حد برنامه ریزی، آدم می تواند تابلوی بسیار قشنگی ترسیم کند و حتی در بیان ضرورت های این کار و تأثیر گذاری آن داد سخن بدهد. ولی از آن طرف مشکلات هم کم نیستند. گزارش ها ساده نیستند، آدم باید برود توی دلی یک یحزان، حتی بعضی جاها خطرناک است. گروه هایی از یچه ها به سیستان و بلوچستان اعزام شدند.

معلوم نبود که دوربین شان سالم بماند یا چه بلایی سر خودشان بیاید. یا مثلاً دنبال

■ پس شاید ما مسئله خیلی بزرگ می کنیم. آیا این طور است؟

واقعاً بسیاری از مشکلات در کشور ما ریشه در حکومت و دولت ندارد. شاید وابسته به آدم های کله گنده هم باشد، اما آدم های ما انتخابی اند، یعنی عضو خانواده هزار فامیل نبوده اند، البته در سطح های پایین تر هستند. در هر اداره شاید مدیر کل چهار تا از فامیل های خودش را هم آورده باشد که همه آنها مشکل دارند. ولی وقتی در سطح کلان ایرادی وارد می شود آن خانواده نمی تواند کاری بکند، چون به قدرت مرکزی این نظام وابسته نیست.

یک نفر اینجا محکم ایستاده و می گوید من می خواهم اینها را درست کنم. وقتی می بینید آدمی سالم در رأس نظام است، دیگر از چه می ترسید. وقتی تصویر را پخش می کنید، او هم دیده مردم هم دیده اند. مردم آنها را انتخاب کرده اند و خودشان هم قضاوت می کنند. حکومت سلطنتی که نیستیم، اگر این برود پسرش نمی آید. اگر معلوم بشود اینها خلاف کرده اند، خودشان می روند کنار. بنابراین دوربین خیلی کارها می تواند بکند، اگر اصلاحگر باشد و دنبال حل مشکلات برود.

■ نگاه و استقبال آنها از برنامه چگونه بود؟ آیا واقعاً بر ایشان جا افتاده بود یا این که می گفتند این هم یک سوپاپ اطمینان است؟

بستگی دارد به این که آدم با چه هدفی دنبال این کار برود. اگر با این نیت بیاید که کار کند و مشکلی را با مستند کردن و به تصویر کشیدن حل کند، جواب می گیرد. نه با کسی عهد اخوت بسته اند و نه با کسی دشمنی دارند،

موضوع گیری می کنند؟ جالب است، مثلاً بعضی مسؤولان نظام، که هیچ رابطه یا منافع مشترکی با جریانی ندارند، به محض دست گذاشتن روی آن، دادشان در می آید.

خب باید ببینید واقعا رابطه ای نیست. آنه که دادشان در می آید حتما در بعضی جاها ارتباطاتی دارند.

البته من معتقدم که نباید از این دادها ترسید یعنی واقعاً مشکلی ایجاد نمی کند. اگر ما تا هر سطحی پیش می رفتیم و کارمان واقعاً مستند بود، هیچ کس نمی توانست حرفی بزند، چون هر چه بیشتر می گفت، خودش محکوم تر می شد.

حسن این قبیل برنامه های تلویزیونی این است که وقتی شما مشکلی را به صورت مستند تصویری نشان بدهید.

و وقتی دوربین راه می افتد و بدون غرض تصویر می گیرد و مردم می بینند این بیمارستان یا این همه تجهیزات دارد خاک می خورد، یک سوال برایشان به وجود می آید.

به دنبال این چرا، می رویم با چند تن از مسؤولان و رئیس بیمارستان و حتی با چند نفر از نماینده های مجلس و رئیس کمیسیون های مربوط صحبت می کنیم. می گویند، بله آقا! این مشکل هست. آیا می توانند علیه این جریان شانتاژ کنند و بگویند آقا! شما می خواهید ما را خراب کنید. تصویر خودش گویاست، همه دارند می بینند. ما با همه تماس می گیریم تا جواب را پیدا کنیم، اگر جواب ندهند برنامه را پخش می کنیم. این تصویر دیگر قابل شانتاژ کردن نیست.

یا مسؤول مربوطه جواب می دهد که پخش می شود یا می رود اصلاحش می کند، کلنگش را می زند رمانش را می برد و افتتاح

یادم هست آقای شاهرودی می خواست از یکی از مجتمع های قضایی باز دید کند، گفته بود اگر امکان دارد قبل از باز دید گزارشی برایشان تهیه کنیم چند سال پیش برای مشکلات مردم سراغ مدیر کل دادگستر می رفتیم. ایشان شروع کرد به تهدید کردن که اگر برنامه پخش شود شما را به دادگاه می کشیم

بعضی از مشکلات و پرونده ها در کشور ما در حد آدم های کوچک گیر کرده و اگر مافیایی در کشور داریم، مثل خارج نیست و ریشه در حکومت ندارد.

منطقه به منطق می‌روند... کل جنبش بر خورده می‌شود... شما با عنوان...
 اینها را به دست خود... که از اول...
 در خدمت اینها... است مثلاً...
 به نظر من... اما را...

ما پیش...
 برای...
 مشکلات مرد...

باید دید که آیا بین مسوولانی که از این برنامه‌ها دادشان در می‌آید یک جاهایی ارتباطاتی وجود ندارد؟

هر حال وقتی کسی می‌آید ۶ ماه برای ساخت چنین برنامه‌ای وقت می‌گذاشت، پولش هم تامین می‌شود و باید هم بشود، یعنی این طور نیست که چون قرار داد اولیه صفرش کم بود، ما کنار گذاشتیم. کسی که قرار دادی با سازمان ندارد و به صورت برنامه‌ای آمده بلند می‌شود می‌رود سیستم بلوچستان و در آن شرایط تصویر می‌گیرد آن وقت حقوق کسی را به او نمی‌دهند که می‌رود در دفتر فلان وزیر، دوربین را روشن می‌کند و برنامه‌اش را می‌گیرد.

ما نمی‌خورد، دل به کار نمی‌دهد، ما به آدم حرفه‌ای که دل به کار بدهد، نیاز داشتیم. این کار خیلی بزرگ مهم است؛ همه در مرحله عمل جا می‌زنند. ۳ سال از این کار می‌گذرد، آیا نباید مجموعه منسجمی شکل بگیرد؟ مشکل انگیزه نیست ما اولین گام را با دست خالی برداشتیم. حتی بچه‌هایی که از سازمان و حقوق نمی‌گرفتند آمدند و به کار کمک کردند؛ مجانی. خودشان شب فکر می‌کردند با چه سناریویی برویم دنبال کار. بعداً دستیارهای من آمدند دنبال این کار را گرفتند.

سوزه مواد مخدر بودیم، در بعضی محله‌ها بچه‌ها را کتک می‌زدند. این کار، کار خطرناکی است. از طرفی ارزش و اعتبار کار هم خیلی بالاست. شما می‌توانید در سطح وسیعی تاثیر گذار باشید. واقعا برای چنین کاری چقدر باید سرمایه گذاری شود؟ البته فقط سرمایه گذاری مالی و مادی هم نیست.

متأسفانه الان این دید وجود دارد که مثلاً می‌گوید آقا! ما این قدر پول برای این کار می‌دهیم و انتظار دارند کار خوبی از آب در بیاید. حالا بگزریم این پولی که می‌دهند کافی هست یا نه. بودجه مناسب با کار تخصیص داده نمی‌شود. مشکل، پول نیست مشکل این است که ما برای یک کار تدارکات قوی و برای یک موضوع اطلاعات کافی می‌خواهیم، یا از نظر آگاهی از اخبار رویدادها و اتفاقاتی که می‌خواهیم آنها را دستمایه کار خود قرار دهیم. آدم‌های مرتبط با این موضوع چه کسانی هستند؟ در بسیاری از این موضوع‌ها با واحد مرکزی خبر و خبر نگاری‌های آن ارتباط داشتیم، چون مجموعه‌ای که کار می‌کرد (مرکب از تهیه کننده، چند عامل و دستیار، تصویر بردار و گزارشگر) مجموعه خبری نبود و این برنامه از دل واحد مرکزی خبر در نیامده بود؛ گروه‌های برنامه سازی واحد سیاسی بودند، بنابراین کار به پشتوانه تدارکاتی این چنینی نیاز داشت که ما هیچ وقت چنین امکاناتی نداشتیم.

کسی که هیچ قرار دادی با سازمان ندارد، می‌رود به سیستم و در آن شرایط خطرناک گزارش می‌گیرد و بعد حقوق کسی را که می‌رود در دفتر فلان وزیر دوربین‌اش را می‌گذارد و گزارش می‌گیرد دریافت می‌کند.

سراغ مدیر کل دادگستری رفتیم، ایشان ما را تهدید کردند که اگر این پخش شود، این کار را می‌کنیم و شما را به دادگاه می‌کشیم که خیلی برای من تعجب آور بود. اتفاقاً آن برنامه هم پخش شد و اتفاقی هم نیفتاد.

مثلاً تصویر بردار ما باید حرفه‌ای باشد؛ الان تعریف حرفه‌ای در سازمان یعنی هر کس نازش بیشتر باشد. تصویر بردار این تیبی به درد

■ یعنی با نگاهی جهادی و انقلابی وارد می‌شود.
 بله، با نگاه جهادی و انقلابی، ولی از این عملکرد انقلابی و جهادی نباید سوء استفاده شود. یعنی آدمی که در تولید نشسته و برای سریال بسیار ابتدایی که نمی‌دانم چقدر می‌تواند مردم را سرگرم کند بودجه میلیاردری تصویب می‌کند و همه امکانات را هم در اختیارش می‌گذارد، لاقول دل بدهد ببیند واقعا برای چنین برنامه‌ای چه می‌خواهید؟ و با توجه به برنامه، بودجه و امکانات تعیین کنند. این پول را بردارید و نگذارید ولی آن امکانات را بدهید. وقتی که یک نفر برای کار دل می‌سوزاند به او پرو بال بدهید و بگذارید واقعا بزرگ شود. این‌ها آدم‌ها را در سطح کوتوله نگه داشته‌اند. هر کسی تا حدی جلو می‌آید، یعنی آنقدر آدم اذیت می‌شود که بزرگان‌شان یک یا دو سال دوام می‌آورند و می‌برند و می‌گویند وقتی کار راحت‌تر هست، می‌رویم دنبال آن کار، آنها که ارزش کار را نمی‌دانند.

■ مشکل کجاست؟ آیا آنها که می‌خواهند امکانات را تامین کنند این موضوع را درک نمی‌کنند یا مشکل از جای دیگری است؟
 در واقع همان چیزی است که شما گفتید، آن کسی که می‌خواهد کار را تامین کند، دید استراتژیکی طراح کار انداز، کسی هم که می‌خواهد اینها را حمایت کند اصلا در آن جلسه نبوده و در جریان نیست که این برنامه با چه امکاناتی باید ساخته شود، می‌گوید برای ساخت بهترین برنامه سیاسی تا به حال دقیقه‌ای ۱۰ تومان می‌داده‌ایم، امکانات خاصی هم در اختیارشان نمی‌گذاشتیم، ماشین را هم یا از ترابری خودشان بگیرند یا - اگر خیلی بخواهند لطف کند - از ترابری تولید بگیرند؛ دوربین هم که خودشان دارند، برونند و بگیرند؛ کاری که ندارند!
 یعنی به جای این که برنامه امکانات را تعیین کند، امکانات برنامه را تعیین می‌کند، واقعا بحث اولیه ما، پول نبود، ما گفتیم آقا! به